

درس چهارم:

کوچک تر کردن موضوع

معلم، درس چهارم نگارش را با عنوان شروع کرد و گفت: این درس، نامه به شمس‌الدین است تا آن تفویض‌های گذشته یک موضوع بزرگ و می‌کردیم و هر قسمت از آن خود می‌آوردیم.

خرد کنیم: به ریز آب و هوای مشاغل روستا روستا و - حالا است و صبح روستا را دیدیم صبح روستا



کوچک‌تر کردن موضوع

معلم، درس چهارم نگارش را بدون مقدمه، شروع کرد و گفت: این درس، ادامهٔ درس قبلی شماست؛ البته با آن تفاوت‌هایی دارد. در درس گذشته، یک موضوع بزرگ و کلی را کوچک‌تر می‌کردیم و هر قسمت از آن را در بخشی از نوشتهٔ خود می‌آوردیم. در این درس، بر اساس ذوق و اطلاعات خودمان، یکی از آن تکه‌های کوچک شده را بر می‌گزینیم و دربارهٔ آن می‌نویسیم. مثلاً «روستا» یک موضوع کلی است و اگر آن را به اجزایی کوچک‌تر، خرد کنیم؛ به ریز موضوع‌های زیر، تقسیم می‌شود:

آب و هوای روستا، آداب و رسوم مردم روستا، مشاغل روستایی، نوع پوشش روستائینان، صبح روستا و...

حالا خود من که کودکیم در روستا گذشته است و صبح روستا و قوقولی قوقوی خروس‌های روستا را دوست دارم، از میان موضوع‌های خرد شده، صبح روستا را انتخاب کرده‌ام و دربارهٔ آن، چنین نوشته‌ام:

روستا، چه نام قشنگی! این نام دل‌نشین، خاطره‌ها و خیال‌هایی را برمی‌انگیزد که یاد آنها همچون چشمه، پیوسته جاری و زلال است. روستا چیزهای زیادی دارد که می‌توان درباره‌ی هر یک از آنها بسیار گفت و نوشت. چشمه‌ها، کوه‌ها، دشت‌ها، درّه‌ها، کشتزارها، مرغ‌ها و خروس‌ها، برّه‌ها و گوسفندها، اسب‌ها، گاوها، گربه‌ها، سگ‌ها و خلاصه، آسمان زیبا و مزرعه‌های رنگارنگش و هزار و یک چیز از صفا و سادگی و صمیمیت مردمانش.

اما من در اینجا از قوقولی‌های خروس سحری می‌گویم؛ پرنده‌ای آسمانی که آمدن روشنایی را زودتر از همه، درک می‌کند و مؤذنه‌ی رسیدن خورشید را به همگان می‌دهد. بانگ خروس در سحرگاهان روستا، تنها صدای بیدارباشی است که مردم روستا را به بیداری و نماز فرا می‌خواند. در روستا همه چیز، نشان از کوشش و تلاش دارد. قوقولی قوقوی بامدادی خروس، هم زنگ اذان است و هم آغاز یک روز کار و تلاش خستگی‌ناپذیر. آبادانی ایران، به همین کوشندگی کارگران و کشاورزان و خرّمی دشت و طبیعتِ روستاها وابسته است.

خروس، پیک سحری است. روستانشینان سحرخیزانی هستند که پیش از خورشید، طلوع می‌کنند و با تلاش خود، به زندگی، گرمی و گواری می‌بخشند.

◆ مؤلفان





حالا از شما می‌خواهم با من، قدم به قدم پیش بیایید.

- یک موضوع کلی را انتخاب کنید.
- آن را در ذهنتان به موضوع‌های کوچک‌تری تقسیم کنید.
- اکنون ببینید به کدام موضوع، علاقه بیشتری دارید و اطلاعاتتان دربارهٔ کدام موضوع بیشتر است.
- با توجه به علاقه و اطلاعات خود یکی از موضوع‌های کوچک را برگزینید.
- یک بار دیگر طبقه‌بندی نوشته (موضوع، مقدمه، بدنه و نتیجه) را در نظر بگیرید.
- پس از این مراحل، قلم را بردارید و نوشتن را آغاز کنید.

بعد از سخنان معلم؛ بیست دانش‌آموز نویسنده، با سکوتی متفکرانه، در خانهٔ خیال خود، به موضوع، اطلاعات لازم دربارهٔ موضوع و طبقه‌بندی آن می‌اندیشیدند. معلم که احساس خوبی نسبت به پیشرفت دانش‌آموزان داشت، با صدای ملایمی گفت: «هر وقت نقشهٔ ذهنی‌تان، کامل شد، می‌توانید نوشتن را آغاز کنید. شک ندارم که مزهٔ خوش نوشتن و خاطرهٔ شیرین آن، در یادتان خواهد ماند.»

سپس، نوشتن آغاز شد و بیست قلم روان، روی کاغذ به حرکت درآمد و معلم نگارش هم، همراه دانش‌آموزان نوشتن را آغاز کرد.



◆ نوشته‌ی زیر را بخوانید و پس از بررسی دقیق، موضوع نوشته و موضوع‌های کوچک‌تر هر بند را مشخص کنید.

موضوع:

نوروز؛ یعنی روز نو، روزگار نو. شاید به همین خاطر است که با آمدن نوروز، همه چیز نو می‌شود.

در خندان از نو، شکوفه و برگ می‌کنند و از نو میوه می‌دهند. چشمه‌های زیادی از کوه، سرازیر می‌شوند که همه زلال و تازه هستند. حیوانات زیادی که در تمام زمستان در خواب بوده‌اند، بیدار می‌شوند و زندگی دوباره و نو پیدا می‌کنند. در نوروز همه سعی می‌کنند، نو و تازه‌تر به نظر بیایند. خانه نو، لباس نو، پول نو، برگ و شکوفه نو، زندگی نو و ...

مامان، با ذوق و سلیقه‌اش، فضای خانه را دگرگون می‌کند، و همه چیز را برق می‌اندازد.

بابا هم دست به نوآوری می‌زند، چیزهای نو می‌خرد، خاک باغچه را عوض می‌کند و یکی دو تا نهال یا گل رز هم می‌کارد.

بچه‌ها لباس‌های نو می‌پوشند؛ از بزرگ‌ترها عیدی و کتاب‌های نو می‌گیرند و در مسافرت عید، جاهای نو و تازه را می‌بینند.

راستی کسی را می‌شناسید که با آمدن نوروز و نو شدن طبیعت، نگاهش را نو کند؟ یعنی به چیزهای اطرافش جور دیگری نگاه کند. سهراب سپهری در یکی از شعرهایش می‌گوید: «چشم‌ها را باید شست / جور دیگر باید دید...!» شستن چشم‌ها چیزی است شبیه خانه‌تکانی عید، یا عوض کردن لباس‌های کهنه و فرسوده.

◆ مؤلفان

◆◆◆ یکی از نوشته‌های گروه دیگر را انتخاب کنید و آن را براساس سنجه‌های زیر، بررسی و نقد کنید. نتیجه کار خود را در جای مشخص شده بنویسید و سپس در کلاس بخوانید.

سنجه‌های ارزیابی :

- ◆ پیش‌نویسی
- ◆ کوچک کردن موضوع نوشته
- ◆ رعایت طبقه‌بندی ذهن و نوشته (مقدمه، بدنه و نتیجه)
- ◆ پیراسته‌نویسی (رعایت نشانه‌های نگارشی، نداشتن غلط املائی، توجه به درست‌نویسی، حاشیه‌گذاری)
- ◆ شیوه خواندن

نتیجه بررسی و داوری:

.....

.....

.....

.....

.....

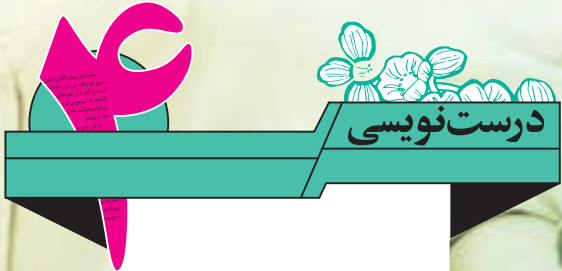
.....

.....

.....

.....

.....



درست نویسی

- ◆ آن قدر مطلب را برایش تکرار کردم که به قول معروف «زبانم مو در آورد».
 - ◆ آن قدر مطلب را برایش تکرار کردم که به قول معروف «خسته شدم».
- جملهٔ ردیف اول درست است؛ زیرا بعد از عبارت «به قول معروف» یک سخن معروف و شناخته شده‌ای، قرار گرفته است؛ اما در جملهٔ ردیف دوم، سخن معروفی ذکر نشده است. بنابراین، هرگاه در نوشته‌ای عبارت «به قول معروف» را به کار ببریم؛ باید پس از آن حتماً سخن معروف، بیتی مشهور، مثلی رایج و... ذکر کنیم مانند:
- ◆ برای آمدن تو آن قدر صبر کردم که به قول معروف زیر پایم علف سبز شد.

◆ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

- ◆ وقتی دو مبصر در یک کلاس باشند به قول معروف نظم کلاس به هم می‌خورد.

.....

- ◆ از بس که آن مجلس طولانی شد به قول معروف همه به خواب رفتند.

.....



◆ به دو تصویر زیر با دقت نگاه کنید؛ درباره تفاوت آنها بیندیشید و هر یک را در نوشته‌ای جداگانه توصیف کنید. معیار سنجش نوشته‌های شما تشخیص دوستانان است. یعنی زمانی که نوشته‌هایتان را در کلاس می‌خوانید، آنها باید تشخیص دهند؛ هر نوشته مربوط به کدام تصویر است.



Blank writing area with ten horizontal dotted lines.

Blank writing area with ten horizontal dotted lines.

